

## الفصل الخامس: في أحكام الأموات

### فصل پنجم: احكام اموات

وهي خمسة:

پنج حکم دارد: (1)

الأول: في الاحتضار.

اول: احتضار

ويجب فيه: توجيه الميت إلى القبلة بأن يلقى على ظهره ويجعل وجهه وباطن رجليه إلى القبلة، وهو فرض على الكفاية.

واجبات زمان احتضار: رو به قبله قرار دادن میت، به گونه ای که به پشت خوابانده شود و صورت و کف پاهایش رو به قبله باشد، و این کار واجب کفایی (2) است.

ويستحب تلقينه الشهادتين، والإقرار بالنبى والأئمة والمهديين (ع)، وكلمات الفرج، ونقله إلى مصلاه، ويكون عنده مصباح إن مات ليلاً، ومن يقرأ القرآن. وإذا مات غمضت عيناه، وأطبق فوه، ومدت يداه إلى جنبيه، وغطى بثوب. ويعجل تجهيزه إلا أن يكون حالة مشبهة، فيستبرأ بعلمات الموت أو يصبر عليه ثلاثة أيام.

مستحبات زمان احتضار: شهادتين و اقرار به پیامبر، امامان و مهدیین (ع) و خواندن کلمات فرج (3) به او تلقین شود، به محل نمازش منتقل گردد و اگر مرگش در شب باشد نزد او چراغی گذاشته شود و کسی برای او قرآن بخواند. هنگامی که مُرد، چشمان و دهانش بسته شود و دست هایش را در کنار بدنش قرار دهند و با پارچه ای او را

---

1 - احتضار، غسل میت، کفن کردن، نماز میت و دفن کردن (مترجم)

2- یعنی اگر یک نفر این کار را انجام دهد، از بقیه ساقط می شود. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص 73)

3- لا إله إلا الله الحليم الكريم، لا إله إلا الله العلي العظيم، سبحان الله رب السماوات السبع و رب الأرضين السبع و ما فيهن و ما بينهن و رب العرش العظيم و الحمد لله رب العالمين. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص 73)

پوشانند. هر چه زودتر میت را تجهیز نمایند، مگر اینکه وضعیتش نامشخص باشد (یعنی نمی‌دانند مرده است یا نه) که برای مطمئن شدن از مردن او باید علامات مرگ را واریسی نمود یا اینکه سه روز صبر کنند.<sup>(4)</sup>

ویکره: أن يطرح على بطنه حديد، وأن يحضره جنب أو حائض.

مکروهات: مکروه است بر روی شکمش آهن قرار دهند و اینکه جُنب یا زن حائض نزد او حاضر گردد.

الثاني : في التفسيل.

دوم: غسل دادن میت

وهو فرض على الكفاية، وكذا تكفينه ودفنه والصلاة عليه، وأولى الناس به أولاهم بميراثه. وإذا كان الأولياء رجالاً ونساء فالرجال أولى، والزوج أولى بالمرأة من كل أحد في أحكامها كلها.

غسل میت و همچنین کفن کردن، دفن کردن و نماز خواندن بر او واجب کفایی است. سزاوارترین فرد به انجام واجبات میت، نزدیکترین فرد به او از جهت میراث است. اگر نزدیکان میت هم مرد و هم زن باشند، مردان از زنان در انجام امور مربوط به میت سزاوارترند.<sup>(5)</sup>

شوهر نسبت به همسر خود در همه امور از دیگران سزاوارتر است.

ويجوز أن يغسل الكافر المسلم إذا لم يحضره مسلم ولا مسلمة ذات رحم (محرمة)، وكذا تغسل الكافرة المسلمة إذا لم تكن مسلمة ولا ذو رحم (محرم). ويغسل الرجل محارمه من وراء الثياب ويكشف الوجه والكفين وظاهر وباطن القدمين إذا لم تكن مسلمة. وكذا المرأة ويكشف صدره فوق السرة ورجليه دون الركبة. ولا يغسل الرجل من ليست له بمحرم إلا ولها دون ثلاث سنين، وكذا المرأة تغسل من له دون خمس سنين، ويغسلها مجردة وتغسله مجرد.

اگر نزد میت مسلمان هیچ مرد مسلمان یا هیچ زن مسلمان محرمی نباشد، جایز است که کافر او را غسل دهد. همچنین جایز است زن کافر، زن مسلمانی را که نزد او زن مسلمان یا مرد مسلمان محرمی وجود نداشته باشد غسل دهد.

4- در صورتی که علامات‌های مرگ در او به روشنی پدیدار بود، لازم نیست سه روز صبر کنند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص 73)

2- البته این در صورتی است که در طبقه ارث با هم برابر باشند، اما در غیر این صورت اگر زنی از نظر طبقه ارث به میت نزدیکتر بود، از مردی که طبقه‌اش دورتر است، سزاوارتر خواهد بود؛ مانند این که وارثان میت، دختر و برادرش باشند که در این صورت دختر مقدم است. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت:

اگر زن مسلمانی موجود نباشد، مرد باید زنان محرم خود را به همراه لباس غسل دهد و صورت و دست‌ها تا میچ و پاها را تا میچ باز کند. همچنین زن، هنگام غسل دادن مردان محرم خود، تنها بالای ناف و پایین زانوهای میّت را می‌تواند آشکار کند.

مرد نمی‌تواند زن نامحرم را غسل دهد، مگر اینکه سن میّت زیر سه سال باشد و زن نامحرم نیز نمی‌تواند مرد را غسل دهد مگر اینکه عمر میّت زیر پنج سال باشد؛ که در این دو حالت می‌توان هنگام غسل، تمام بدن میّت را آشکار کرد.

وكل مظهر للشهادتين وإن لم يكن معتقداً للحق يجوز تغسيله، عدا الخوارج والغلاة والنواصب. والشهيد الذي قتل بين يدي الإمام ومات في المعركة لا يغسل ولا يكفن، ويصلى عليه. وكذا من وجب عليه القتل يؤمر بالاعتسال قبل قتله، ثم لا يغسل بعد ذلك.

هرکس شهادتین را بر زبان جاری کند حتی اگر به حق اعتقاد قلبی نداشته نباشد غسل دادنش جایز است، به جز خوارج،<sup>(6)</sup> غلات<sup>(7)</sup> و نواصب.<sup>(8)</sup> شهیدی که در محضر امام و در میدان جنگ کشته شود، غسل و کفن داده نمی‌شود؛ اما باید بر او نماز خواند.<sup>(9)</sup> همچنین کسی که کشتن او واجب است<sup>(10)</sup> قبل از کشته شدنش به او دستور غسل کردن داده شود و دیگر بعد از مرگ غسل داده نمی‌شود.

وإذا وجد بعض الميت فإن كان فيه الصدر أو الصدر وحده غسل وكفن وصلي عليه ودفن، وإن لم يكن وكان فيه عظم غسل ولف في خرقة ودفن، وكذا السقط إذا ولجته الروح أو كان له أربعة أشهر فصاعداً. وإن لم يكن فيه عظم اقتصر على لفة في خرقة ودفنه، وكذا السقط إذا لم تلجه الروح. وإذا لم يحضر الميت مسلم ولا كافر ولا محرم من النساء فلا تقربه الكافرة، وتصب المسلمة عليه الماء صباً من وراء ثيابه فوق سرتة وتحت ركبتيه، ويحنت بالكافور ويدفن. أما الميتة فيصب عليها المسلم من غير المحارم الماء على وجهها ويديها وقدميها فقط، وتحنت بالكافور وتدفن.

هنگامی که بخشی از جسد یک میّت پیدا شود اگر سینه او در آن باشد یا اینکه فقط سینه میّت پیدا شده باشد، باید غسل داده شود، کفن گردد و بر آن نماز گزارده و دفن گردد. اگر این‌گونه نبود ولی در آن استخوان باشد، باید

6- خوارج نهروان و کسانی که شبیه آنان هستند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص 21)

7- آنان که به الوهیت مطلق یکی از مخلوقات معتقد هستند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص 21)

8- کسانی که چه با ائمه و چه با مهدیین (ع) و چه شیعیان آن‌ها دشمنی نمایند. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص 21)

9- و همچنین لمس بدن سرد او نیاز به غسل مس میّت ندارد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص 75)

10 - مانند کسی که باید بر او حد، جاری شده و کشته شود. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص 75)

اجزای یافت شده را غسل داد و آن را در پارچه‌ای پیچید و دفن کرد. همین حکم در مورد جنین سقط شده، اگر روح در او حلول کرده باشد یا اینکه چهار ماه یا بیشتر داشته باشد<sup>(11)</sup> نیز برقرار است. اما اگر عضو یافت شده استخوان نداشت، فقط در پارچه‌ای پیچیده و دفن گردد؛ این حکم برای جنین سقط شده اگر روح در آن حلول نکرده باشد نیز جاری است.

اگر مرد مسلمانی بمیرد و مرد مسلمان یا مرد کافر و یا زنی از محارمش نزد او نباشد، زن کافر نباید به او نزدیک شود و زن مسلمان نامحرم نیز فقط می‌تواند بر قسمت بالای ناف و زیر زانوهای میت از پس لباس آب بریزد، سپس او را با کافور حنوط کرده،<sup>(12)</sup> دفن نماید.

اما اگر زن مسلمان بمیرد، مرد مسلمان نامحرم تنها روی صورت و دو دست او تا مچ و دو پای او تا مچ آب می‌ریزد و با کافور حنوط می‌کند و دفن می‌نماید.

ويجب: إزالة النجاسة من بدنه أولاً، ثم يغسل بماء السدر يبدأ برأسه، ثم بجانبه الأيمن ثم الأيسر، وأقل ما يلقي في الماء من السدر ما يقع عليه الاسم. وبعده بماء الكافور على الصفة المذكورة، وبماء القراح أخيراً كما يغسل من الجنابة. ووضوء الميت مستحب وليس بواجب. ولا يجوز الاقتصار على أقل من الغسلات المذكورة إلا عند الضرورة. ولو عدم الكافور والسدر غسل بالماء القراح مرة واحدة، والثلاث أفضل. ولو خيف من تغسيه تناثر جلده كالمحترق والمجدور يتيمم بالتراب كما يتيمم الحي العاجز.

واجبات غسل میت:

در ابتدا باید هرگونه نجاست از بدن میت زدوده شود، سپس میت با آب مخلوط با سدر غسل داده شود؛ یعنی از سر میت آغاز نمایند بعد سمت راست و سپس سمت چپ بدن میت را بشویند.<sup>(13)</sup> کمترین مقدار سدر که در آب مخلوط می‌شود به قدری است که بتوان به آن آب سدر گفت؛ بعد از آن باید با آب مخلوط با کافور،<sup>(14)</sup> میت را به همان کیفیت غسل داد. در مرتبه سوم با آب معمولی - همان طور که برای جنابت غسل می‌شود - باید میت را غسل داد.

11 - یعنی غسل داده شده، در پارچه‌ای پیچیده و دفن می‌شود. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت ص 76)

12 - واجب است به مواضع هفتگانه سجده میت (پیشانی و کف دست‌ها و سر زانوها و نوک دو انگشت شست پا)، به هراندازه که ممکن است، کافور بمالد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص 78)

13 - ترتیب بین سمت چپ و راست بدن واجب نیست. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص 76)

14 - کمترین مقدار کافوری که در آب مخلوط می‌شود نیز به قدری است که بتوان به آن آب کافور گفت. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت:

وضو دادن میّت مستحب است و واجب نیست. جایز نیست هیچ‌یک از غسل‌های مذکور کم شود، مگر اینکه ضرورتی وجود داشته باشد.<sup>(15)</sup> در صورتی که سدر و کافور موجود نباشد، میّت را یک بار با آب معمولی غسل میدهند، ولی سه بار غسل دادن میّت بهتر است.

اگر به دلیلی مانند سوختگی یا بیماری آبله و... احتمال داده شود که پوست مُرده هنگام غسل متلاشی شود، باید مانند زنده ناتوان از وضو و غسل، او را با خاک تیمّم داد.

وسنن الغسل: أن يوضع على ساجة مستقبل القبلة، وأن يغسل تحت الظلال، وأن يجعل للماء حفيرة، ويكره إرساله في الكنيف ولا بأس بالبالوعة، وأن يفتق قميصه وينزع من تحته، وتستر عورته، وتلين أصابعه برفق، ويغسل رأسه برغوة السدر أمام الغسل، ويغسل فرجه بالسدر والحرص (الإشنان) أو الصابون الخالي من العطر ويغسل يديه، ويبدأ بشق رأسه الأيمن، ويغسل كل عضو منه ثلاث مرات في كل غسلة، ويمسح بطنه في الغسلتين الأولتين، إلا أن يكون الميت المرأة حاملاً. وأن يكون الغاسل منه على الجانب الأيمن، ويغسل الغاسل يديه مع كل غسلة، ثم ينشفه بثوب بعد الفراغ.

مستحبات غسل میّت:

مستحب است که میّت را روی تختۀ چوبی<sup>(16)</sup> رو به قبله و در سایه غسل دهند. برای آب غسل میّت گودالی حفر کنند. فرستادن آب غسل به چاه توالت مکروه است، اما فرستادنش به فاضلاب اشکالی ندارد. شکافتن لباس و خارج کردن آن از قسمت پایین بدن و ستر عورت میّت و نرم کردن انگشتانش نیز مستحب است؛ همچنین مستحب است قبل از غسل، سر میّت را با کف سدر،<sup>(17)</sup> و فرج میّت با سدر و اشنان (نوعی گیاه) یا صابون بدون عطر شسته شود و نیز مستحب است دستانش را قبل از غسل بشویند.

مستحب است غسل را از نیمۀ راست سر شروع نماید و هر عضو را در هر غسل سه بار بشوید. در دو غسل اول سه بار بر شکم میّت دست کشیده شود، مگر اینکه مُرده، زن باردار باشد. غسل دهنده در سمت راست میّت قرار بگیرد و با هر بار غسل دادن دست‌های خود را بشوید، سپس بدن میّت را بعد از اتمام غسل با پارچه‌ای خشک کند.

ویکره: أن يجعل الميت بين رجليه، وأن يقعد، وأن يقص أظفاره، وأن يرجل شعره، وأن يغسل مخالفاً، فإن اضطر غسله غسل أهل الخلاف.

15- مانند زمانی که آب موجود نداشته باشد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص 77)

16- چوبی که از درخت ساج گرفته می‌شود. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص 77)

17- کفی که هنگام مخلوط کردن آب و سدر روی آن جمع می‌شود و می‌ایستد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص 77)

مکروه است:

هنگام غسل، میت را میان پاهای خود قرار دهد، یا او را بنشانند؛ همچنین چیدن ناخن و شانه کردن موی سر میت، و اینکه شخص مخالف را غسل دهد، اما اگر مجبور شد به شیوه آنان غسل دهد.

### الثالث: في تكفينه.

سوم: کفن کردن میت

ويجب أن يكفن في ثلاثة أقطاع مئزر وقميص وإزار، ويجزي عند الضرورة قطعة. ولا يجوز التكفين بالحرير. ويجب أن يمسح مساجده بما تيسر من الكافور، إلا أن يكون الميت محرماً، فلا يقربه الكافور. وأقل الفضل في مقدار درهم، وأفضل منه أربعة دراهم، وأكمله ثلاثة عشر درهماً وثلاثاً. وعند الضرورة يدفن بغير كافور. ولا يجوز تطيبه بغير الكافور والذريرة.

واجب است میت در سه قطعه پارچه کفن شود. مئزر،<sup>(18)</sup> قمیص<sup>(19)</sup> و إزار.<sup>(20)</sup> در صورت اضطرار، یک قطعه کفایت می کند. کفن کردن میت با حریر جایز نیست.

واجب است بر مساجد (مواضع هفتگانه سجود) میت به قدر امکان کافور مالیده شود، مگر اینکه میت مُحَرَّم (در احرام حج) باشد که در این صورت نباید کافور بر بدن او مالید. کمترین مقدار کافور، یک درهم است و بهتر آن است که چهار درهم باشد و کاملترین مقدار کافور سیزده و یک سوم درهم است.

در هنگام ضرورت، میت بدون کافور دفن می گردد و استعمال بوی خوش جز با کافور یا ذریره (گیاهی خوشبو) جایز نیست.

وسنن هذا القسم: أن يغتسل الغاسل قبل تكفينه، أو يتوضأ وضوء الصلاة وأن يزداد للرجل حبرة عبرية غير مطرزة بالذهب، وخرقة لفخذه، ويكون طولها ثلاثة أذرع ونصفاً في عرض شبر تقريباً، فيشد طرفها على حقويه ويلف بما استرسل منها فخذاه لفاً شديداً بعد أن يجعل بين إلبتيه شئ من القطن، وإن خشبي خروج شئ فلا بأس أن يحشى في دبره قطناً. وعمامة يعمم بها محنكاً يلف رأسه بها لفاً ويخرج طرفها من تحت الحنك ويلقيان على صدره. وتزداد المرأة على كفن الرجل لفافة لثديها ونمطاً، ويوضع لها بدلاً من العمامة قناع. وأن يكون الكفن قطناً، وتنثر على الحبرة واللفافة والقميص ذريرة، وتكون الحبرة فوق اللفافة والقميص باطنها، ويكتب على الحبرة والقميص والأزار والجريدتين اسمه وأنه يشهد الشهادتين، وإن ذكر الأئمة والمهديين (ع) وعددهم إلى آخرهم كان حسناً. ويذكر صاحبه الذي به يعد من أهل الإسلام لا من أهل الجاهلية، ويكون ذلك بتربة الحسين (ع)، فإن لم توجد فبالأصبع. وإن

<sup>1</sup> - یک قطعه برای دور عورت از ناف تا زانو. (مترجم)

<sup>2</sup> - یک قطعه برای پوشاندن تن. (مترجم)

<sup>3</sup> - یک قطعه برای کل بدن. (مترجم)

فقدت الحبرة يجعل بدلها لفافة أخرى. وأن يخاط الكفن بخيوط منه، ولا يبيل بالريق، ويجعل معه جريدتان من سعف النخل، فإن لم يوجد فمن السدر، فإن لم يوجد فمن الخلاف، وإلا فمن شجر رطب. ويجعل إحدهما من الجانب الأيمن مع ترقوته يلصقها بجلده، والأخرى من الجانب اليسار بين القميص والإزار، وأن يسحق الكافور بيده، ويجعل ما يفضل عن مساجده على صدره. وأن يطوي جانب اللفافة الأيسر على الأيمن، والأيمن على الأيسر.

#### مستحبات كفن کردن:

مستحب است غسل دهنده میّت قبل از کفن کردن، غسل کند یا وضو بگیرد.

به کفن مرد، یک حبره عبری (نوعی پارچه یمانی بلند که میّت را کاملاً می پوشاند) که زربافت نباشد اضافه نماید، همچنین پارچه‌ای برای بستن ران‌ها که طول آن سه ذراع و نیم<sup>(21)</sup> و عرض آن تقریباً یک وجب باشد، قرار دهد و دو طرف آن را محکم از بالای مثانه ببندد و بعد از قرار دادن مقداری پنبه میان باسن میت، مابقی پارچه را دور رانهای او محکم بپیچد، و اگر احتمال خروج چیزی از مقعد میّت را می دهد می تواند در مقعد او نیز مقداری پنبه قرار دهد.

می توان پارچه‌ای را به عنوان سربند و عمامه به کفن مرد افزود به گونه‌ای که پارچه را دور سر بپیچند، بعد دو طرف آن را از زیر چانه رد کرده و روی سینه قرار دهند.

می توان به کفن زن، پارچه‌ای برای بستن پستان‌هایش و یک پارچه بزرگ سرتاسری اضافه کرد و به جای عمامه نیز می توان برای زن رو بند اضافه کرد.

مستحب است که کفن از پنبه باشد، و روی حبره و قمیص (پیراهن) و لفافه (که دور میّت پیچیده می شود) ذریه (گیاه معطر) ریخته شود. حبره روی لفافه و قمیص زیر آن باشد، و نوشتن نام میّت و اینکه او به شهادتین اقرار کرده بر روی حبره و قمیص و إزار (قطعه بالایی کفن) و قرار دادن دو ساقه نخل همراه او مستحب است. اگر نام ائمه و مهدیین (ع) و تعدادشان را از ابتدا تا انتها بنویسد خوب است و صاحبش که به واسطه او مسلمان به شمار می آید و از اهل جاهلیت نیست را ذکر کند، و این نوشته‌ها با تربت حسین (ع) و در صورت موجود نبودن آن با انگشت انجام شود.<sup>(22)</sup> در صورت نداشتن حبره، از پارچه دیگری استفاده شود. برای بستن کفن از خود کفن، ریسمان و بند درست کنند. نباید بندهای کفن (هنگام بستن) با آب دهان آغشته شود. همراه میّت دو شاخه نخل و اگر نبود از درخت سدر و اگر نبود دو شاخه متفاوت (یعنی یکی سدر و دیگری نخل) و اگر نبود از درخت سبز دیگری قرار دهند؛ به این صورت که در سمت راست مُرده، شاخه را به ترقوه بچسباند، طوری که با پوست بدن میّت تماس داشته باشد و دیگری را در سمت چپ بین پیراهن و ازار (قطعه بالایی کفن) قرار دهد. مستحب است که کافور را با دست خُرد کنند و باقی مانده کافور از محل سجده‌هایش بعد از حنوط را بر سینه میّت قرار دهد. مستحب است قسمت چپ لفافه را به طرف راست و سمت راستش را به طرف چپ بپیچند.

21- ذراع: طول آرنج تا نوک انگشت دست. (مترجم)

22- و نوشتن دعای جوشن بر کفن با زعفران مستحب است. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص 79)

ویکره: تکفینه فی الکتان، وأن یعمل للکفان المبتدئة أکمام، وأن یکتب علیها بالسواد، وأن یجعل فی سمعه أو بصره شیئاً من الکافور.

مکروه است:

که کفن از کتان باشد، و اینکه برای کفن‌های آماده، آستین درست شود.<sup>(23)</sup> و یا با رنگ مشکی چیزی روی کفن بنویسد و اینکه در گوش و چشم مرده کافور بریزد.

مسائل ثلاث:

مسائل سه‌گانه:

الأولی: إذا خرج من المیت نجاسة بعد تکفینه، فإن لاقت جسده غسلت بالماء وإن لاقت کفنه فکذلك، إلا أن یكون بعد طرحه فی القبر فإنها تقرض.

اول: اگر از میت بعد از غسل و کفن نجاستی خارج شود، اگر با بدن یا کفن تماس یافت باید با آب شسته شود، و اگر بعد از گذاشتن میت در قبر از او نجاست خارج شود کافی است همان قسمت نجس شده را بیرون آورد (و نیاز به شستن ندارد).

الثانیة: کفن المرأة علی زوجها وإن کانت ذات مال، لکن لا یلزمه زیادة علی الواجب. ویؤخذ کفن الرجل عن أصل ترکته مقدماً علی الدیون والوصایا، فإن لم یکن له کفن لم یدفن عریاناً بل یجب علی المسلمین بذل الکفن، بل ویستحب ما یحتاج إلیه المیت من سدر وکافور وغیره.

دوم: بهای کفن زن بر عهده شوهر است حتی اگر زن اموالی داشته باشد؛ اما بیش از واجبات کفن بر مرد لازم نیست. بهای کفن مرد نیز باید از اصل مال او قبل از دادن بدهی‌ها و وصیت‌هایش برداشته شود. اگر مرده مالی نداشته باشد که با آن کفن تهیه نماید نمی‌توان او را به صورت عریان دفن کرد و بر مسلمانان واجب است تا برای او کفن تهیه کنند و مستحب است که سدر و کافور و سایر چیزهایی که نیاز دارد را نیز آنان تهیه کنند.

الثالثة: إذا سقط من المیت شیئاً من شعره أو جسده، وجب أن یطرح معه فی کفنه.

سوم: اگر مو یا چیزی از بدن میت بیفتد واجب است که همراه میت در کفن گذارده شود.

الرابع: فی مواراته فی الأرض.

23- این کراهت مختص کفنی است که تازه برای او درست کرده‌اند و اگر مثلاً او را در لباس خودش که دارای آستین است کفن کنند کراهت ندارد. (احکام الشریعه



## چهارم: در احکام دفن کردن و در خاک قرار دادن<sup>(24)</sup>

وله مقدمات مسنونة كلها: أن يمشي المشيع وراء الجنازة، أو أحد جانبيها، وأن يربع الجنازة، ويبدأ بمقدمها الأيمن، ثم يدور من ورائها إلى الجانب الأيسر، وأن يعلم المؤمنون بموت المؤمن، وأن يقول المشاهد للجنازة: الحمد لله الذي لم يجعلني من السواد المخترم، وأن يضع الجنازة على الأرض إذا وصل القبر مما يلي رجليه والمرأة مما يلي القبلة، وأن ينقله في ثلاث دفعات، وأن يرسله إلى القبر سابقاً برأسه، والمرأة عرضاً، وأن ينزل من يتناوله حافياً، ويكشف رأسه، ويحل أزراره.

این کار مقدماتی دارد که همه مستحب هستند:

تشییع کنندگان پشت جنازه یا در کنار آن حرکت کنند؛ و چهار فرد، میت را حمل کنند؛ به گونه‌ای که ابتدا، سمت راست جلوی جنازه را بگیرند؛ سپس از پشتش، به سوی چپ برود. سایر مؤمنان را از مرگ مؤمن با خبر کنند و کسی که جنازه را می‌بیند بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَجْعَلْنِي مِنَ السَّوَادِ الْمُخْتَرَمِ»؛ (سپاس خداوند را که مرا جزو سیاهی نابودشده قرار نداد). میت مرد را هنگام رسیدن به قبر، سمت پایین پای قبر بر زمین بگذارند و زن را در جانب قبله بگذارند و جنازه را در سه مرحله وارد قبر کنند. مرد را از سمت سر وارد قبر کنند و زن را از عرض بدن، و کسی که جنازه را در قبر قرار می‌دهد پابرنه و سربرهنه باشد و دکمه‌هایش را باز کند.

ويكره أن يتولى ذلك الأقارب، إلا في المرأة فيتولى أمرها زوجها أو محارمها. ويستحب أن يدعو عند إنزاله القبر.

مکروه است که این کار را یکی از نزدیکان میت انجام دهد مگر اینکه مرده زن باشد که همسر یا یکی از محارم او جنازه‌اش را وارد قبر می‌کند. مستحب است هنگام گذاشتن میت در قبر دعا کند.

وفي الدفن فروض وسنن، فالفروض: أن يوارى في الأرض مع القدرة. وراكب البحر يلقي فيه، إما مثقلاً أو مستوراً في وعاء كالخابية أو شبهها، مع تعذر الوصول إلى البر. وأن يضجعه على جانبه الأيمن مستقبل القبلة، إلا أن يكون امرأة غير مسلمة حاملاً من مسلم، فيستدبر بها القبلة.

دفن کردن دارای واجبات و مستحباتی می‌باشد.

واجبات تدفین:

میت را در صورت امکان در زمین خاک کنند. اگر در دریا بود و نمیشد او را به خشکی رساند یا باید مرده را سنگین کرد و یا او را در ظرفی مناسب و سنگین (که روی آب نمی‌ایستد) گذاشت و آن را به دریا انداخت. میت را رو به قبله و

بر پهلو راست بخواباند، مگر اینکه میت زنی غیرمسلمان باشد که از مسلمانی باردار شده باشد و بمیرد که باید پشت به قبله در قبر گذارده شود.<sup>(25)</sup>

والسنن: أن يحفر القبر قدر القامة أو إلى الترقوة، ويجعل له لحد مما يلي القبلة، ويحل عقد الألفان من قبل رأسه ورجليه، ويجعل معه شئ من تربة الحسين (ع)، ويلقنه ويدعو له، ثم يشرح اللبن، ويخرج من قبل رجل القبر، ويهيل الحاضرون عليه التراب بظهور الألف قائلين: إنا لله وإنا إليه راجعون. ويرفع القبر مقدار أربع أصابع، ويربع، ويصب عليه الماء من قبل رأسه ثم يدور عليه، فإن فضل من الماء شئ ألقاه على وسط القبر. ويوضع اليد على القبر ويترحم على الميت، ويلقنه الولي بعد انصراف الناس عنه بأرفع صوته. والتعزية مستحبة وهي جائزة قبل الدفن وبعده، ويكفي أن يراه صاحبها.

#### مستحبات تدفین:

مستحب است که عمق قبر به اندازه قد یک انسان یا تا شانه او باشد، و برای قبر از جانب قبله لحد قرار دهد. گرههای کفن را از طرف سر و پاهایش باز کند، و همراه با او مقداری از تربت امام حسین (ع) قرار دهد، و او را تلقین دهد و برایش دعا کند،<sup>(26)</sup> سپس روی لحد میت را با خشت گلی ببندد و گل بگیرد. از سمت پاهای میت از قبر خارج شود و حاضرین درحالی که با پشت دستها خاک را در قبر می ریزند، بگویند: «إنا لله وإنا إليه راجعون». قبر را به ارتفاع چهار انگشت از سطح زمین بالا بیاورند<sup>(27)</sup> و خاک اطراف قبر را به صورت چهارگوش در بیاورند، و از سمت سر میت شروع به آب ریختن کنند و دور تا دور قبر را آب بریزند و اگر چیزی از آب باقی ماند بر وسط قبر بریزند. دست بر قبر بگذارند و بر مرده طلب رحمت کنند و ولی میت بعد از رفتن مردم از کنار قبر با بلندترین صدا دوباره او را تلقین دهد.

«تعزیه» (تسلیت گفتن) مستحب است و چه قبل از تدفین و چه بعد از آن جایز است؛ و کمترین مقدار آن این است که صاحب عزا او را ببیند.<sup>(28)</sup>

ویکره: فرش القبر بالساج إلا عند الضرورة، وأن يهيل ذو الرحم على رحمه، وتجصيص القبور وتجديدها، ودفن الميتين في قبر واحد، وأن ينقل الميت من بلد إلى بلد آخر إلا إلى أحد المشاهد، وأن يستند إلى القبر أو يمشي عليه.

#### مکروه است:

<sup>1</sup> - تا جنین رو به قبله قرار گیرد. (مترجم)

2- امام صادق (ع) فرمودند: هنگامی که میت را در قبر قرار دادی بگو: بسم الله و فی سبیل الله و علی ملة رسول الله؛ و آیت الکرسی را بخوان و با دستت به شانه راست او بزنی و بگو، ای فلانی بگو رضیت بالله رباً و بالإسلام دیناً و بمحمد رسولاً و بعلی إماماً و امام زمانش را نام ببر. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص 86)

27- بلند کردن ارتفاع قبر بیش از این مقدار مکروه است. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص 86)

28- پوشیدن لباس سیاه اشکالی ندارد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص 87)

که قبر را با ساج (چوب) فرش کنند مگر در صورت ضرورت. نزدیکان میت هنگام دفن، خاک را بر جنازه بریزند. تجدید بنای قبر و گچکاری و دفن دو مرده (به صورت طبقاتی) در یک قبر و منتقل کردن مرده از شهری به شهر دیگر مکروه است مگر به یکی از مشاهد مشرفه. تکیه کردن یا عبور از روی قبر نیز مکروه است.

## الخامس: في اللواحق.

پنجم: ملحقات تدفین

وهي مسائل أربع:

چهار مسئله:

الأولى: لا يجوز نبش القبر، ولا نقل الموتى بعد دفنهم، ولا شق الثوب على غير الأب والأخ.

اول: نبش قبر و منتقل کردن میت بعد از دفن<sup>(29)</sup> و گریبان چاک کردن در مرگ بر غیر از پدر و برادر جایز نیست.<sup>(30)</sup>

الثانية: الشهيد يدفن بثيابه، وينزع عنه الفرو والخفان، أصابهما الدم أو لم يصبهما، ولا فرق بين أن يقتل بحديد أو بغيره.

دوم: شهید با لباسهایش دفن می شود ولی پوستین و کفش های او، چه به خون آغشته باشد و چه نباشد، باید از او جدا شود. فرقی نمی کند که شهید با آهن کشته شده باشد یا چیز دیگری.

الثالثة: حكم الصبي والمجنون إذا قتلا شهيدین حكم البالغ العاقل.

سوم: کودک و دیوانه اگر شهید شوند حکم [شهید] بالغ عاقل را دارند.

الرابعة: إذا مات ولد الحامل قطع وأخرج، وإن ماتت هي دونه شق جوفها من الجانب الأيسر وانتزع، وخط موضع.

---

2- تشریح جنازه میت حرام است مگر این که شک داشته باشند که دارای بیماری بوده است که مؤمنین را تهدید می کند. تشریح جنازه برای آموزش، بدون اجازه پیشین از میت، حرام است. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص 87)

30- نوحه و لطمه زدن اشکالی ندارد و قرمز شدن سینه یا صورت به سبب آن اگر دارای ضرر اذیت کننده نباشد اشکالی ندارد، اما بعضی از افعال خاص مانند اینکه مرد در مرگ پسر یا زنش پیراهنش را پاره کند، و اینکه زن، صورتش را ناخن بکشد و موهایش را بکند اشکال دارد و کسی که آنها را انجام دهد باید کفاره بدهد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص 88)

چهارم: اگر جنین در شکم مادر بمیرد باید او را جدا و خارج نمود. اگر زن باردار بمیرد ولی جنین زنده باشد باید سمت چپ شکم زن را شکافت و بعد از خارج کردن جنین، محل شکاف دوخته شود.<sup>(31)</sup>

وأما الأغسال المسنونة، فمنها ثلاثون غسلًا، سبعة عشر للوقت وهي: غسل يوم الجمعة، ووقته: ما بين طلوع الفجر إلى زوال الشمس، وكلما قرب من الزوال كان أفضل. ويجوز تعجيله يوم الخميس لمن خاف عوز الماء أو تأخيره بعد الزوال يوم الجمعة، وقضاؤه يوم السبت.

غسل های مستحب:

غسل های مستحب که (از جمله آن ها) سی غسل هستند:

هفده غسل برای زمان های خاص است:

غسل روز جمعه:

که وقت آن از طلوع فجر تا زوال خورشید (اذان ظهر) است<sup>(32)</sup> و هرچه به زوال نزدیکتر باشد بهتر است. می توان به دلیل ترس از نداشتن آب، در روز پنجشنبه نیز این غسل را انجام داد و یا این که تا بعد از زوال جمعه انجام آن را به تأخیر انداخت و یا قضای آن شنبه به جا آورده شود.<sup>(33)</sup>

وستة في شهر رمضان: أول ليلة منه، وليلة النصف، وسبع عشرة، وتسع عشرة، وإحدى وعشرين، وثلاث وعشرين، وليلة الفطر. ويومي العيدين، ويوم عرفة، وليلة النصف من يوم رجب، ويوم السابع والعشرين منه، وليلة النصف من الشعبان، ويوم الغدير، والمباهلة، ويوم التروية.

شش غسل در ماه رمضان:

شب اول و شب نیمه ماه و شب هفدهم و نوزدهم و بیستوی کم و بیستوسوم ماه و شب عید فطر.

روز عید فطر و قربان، روز عرفة، شب نیمه ماه رجب، روز بیستوهفتم ماه رجب، شب نیمه شعبان، روز عید غدیر،

روز مباهله و روز تروییه.<sup>(34)</sup>

---

31- اهدای عضو از انسان زنده به انسان زنده جایز است ولی فروش آن حرام است. همچنین اهدای عضو از مُرده به زنده با اجازه ولی میت مؤمن (اگر پدر یا مادر یا پسر یا دختر میت باشد) جایز است. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص 89)

2- زن حائض نیز می تواند این غسل را انجام دهد و از ثواب آن مانند ذکر خدا بهره ببرد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص 90)

2- تمام غسل های مستحبی از وضو کفایت میکنند، حتی غسل جمعه ای که پیش از وقت و یا بعد از آن در روز شنبه انجام شود. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص 90)

وثمانية للفعل، وهي: غسل الإحرام، وغسل زيارة النبي (ص) والأئمة (ع)، وغسل المفرط في صلاة الكسوف (والآيات) إذا أراد قضاءها، وغسل التوبة سواء كان عن فسق أو كفر، وصلاة الحاجة، وصلاة الاستخارة، وصلاة الاستسقاء.

هشت غسل که به دلیل انجام برخی از اعمال، مستحب می‌گردند:

غسل احرام و غسل زیارت پیامبر (ص) و ائمه (ع)، غسل کسی که بخواهد نماز کسوف (و آیات) را قضا کند، در صورتی که در انجام به موقع آن کوتاهی کرده باشد، غسل توبه<sup>(35)</sup> چه از گناه<sup>(36)</sup> باشد چه از کفر، و غسل نماز حاجت، نماز استخاره و نماز طلب باران.

وخمسة للمكان، وهي: غسل دخول الحرم، والمسجد الحرام، والكعبة، والمدينة، ومسجد النبي (ص).

پنج غسل هم به دلیل حضور در مکانی خاص مستحب می‌شود: غسل وارد شدن به محدوده حرم، ورود به مسجد الحرام، کعبه، مدینه و مسجد النبی (ص).

#### مسائل أربع:

چهار مسئله:

الأولى: ما يستحب للفعل والمكان يقدم عليهما، وما يستحب للزمان يكون بعد دخوله.

اول: غسلی که به دلیل اعمال و مکان‌های خاص مستحب می‌شود، بر آن دو عمل مقدم می‌باشد. غسلی که به دلیل زمان خاص مستحب می‌گردد، بعد از ورود در آن وقت انجام می‌شود.

الثانية: إذا اجتمعت أغسال مندوبة تكفي نية القربة.

دوم: اگر چند غسل مستحب با هم جمع شوند، تنها یک غسل به قصد قربت کفایت می‌کند.

الثالثة والرابعة: يستحب غسل من سعى إلى مصلوب ليراه عامداً بعد ثلاثة أيام، وغسل المولود مستحب.

---

35- البته بر هر کس که به حق ایمان می‌آورد واجب است که به نیت توبه، غسل نماید. در بقیه موارد، غسل توبه مستحب است. کسی که در حال حیض ایمان می‌آورد می‌تواند در همان حال غسل کند، هر چند اگر بعد از پاک شدن، غسل را تکرار کند یا این که همراه با غسل حیض آن را نیز در نیت داشته باشد بهتر است. اگر کسی ایمان بیاورد و غسل توبه را به جا نیاورده باشد، عباداتش صحیح است ولی واجب است آن را به جا آورد. (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء اول، طهارت: ص 91)

سوم و چهارم: کسی که از روی عمد برود تا به دار آویخته شدن کسی را ببیند، مستحب است بعد از سه روز غسل کند. غسل دادن نوزاد نیز مستحب است.

وكل هذه الأغسال مجزية عن الوضوء. والأفضل ذكر اسم الله أثناء الغسل وبعده ويقول: اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين الطيبين الطاهرين، وطهر قلبي من الشرك والشك والظلمة والخبائث.

تمام این غسل‌ها جایگزین وضو نیز هستند. بهتر است هنگام غسل و بعد از آن اسم خداوند را یاد کند و بگوید: «اللهم صلّ على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين الطيبين الطاهرين و طهر قلبي من الشرك و الظلمة و الخبائث».

